

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

سیاسی	Political
-------	-----------

فرستنده: بابک آزاد

۰۵ جون ۲۰۱۳

در باره خیزش مردمی اخیر در ترکیه !

در روزهای اخیر اخبار مربوط به تظاهرات گسترده مردم مبارز ترکیه علیه رژیم حاکم و دولت اردوغان در صدر گزارشات خبرگزاری های بین المللی قرار داشته است. صد ها هزار تن از مردم مبارز ترکیه از روز دوشنبه در اعتراض به سرکوب وحشیانه گروهی از مردم استانبول که حرکت مسالمت آمیز آن ها علیه تخریب پارک "قیزی" در میدان تقسیم با سرکوب ددمنشانه و خونین پولیس ترکیه روبه رو شده بود، در شهرهای بزرگ نظیر آنکارا، استانبول، آدانا، اسکی شهیر، ازمیر و ... به خیابان آمدند و با شعار های مرگ بر دولت اردوغان خواهان استعفای وی شدند. شدت و عمق این حرکت مردمی که در ده سال اخیر در جامعه تحت سلطه ترکیه بی سابقه بوده است به گونه ای بود که سرکوب وحشیانه آن توسط پولیس و لت و پار کردن جوانان توسط نیروهای سرکوبگر نه تنها از ابعاد این حرکت نکاست بلکه باعث شد تا تعداد بیشتری از مردم برای حمایت از این حرکت به صحنه آمده و با شعارهای رادیکالتر طبقه حاکم و دولت آن را هدف قرار دهند. پس از چند روز ضرب و شتم و سرکوب وحشیانه تظاهر کنندگان مبارز و مصمم در استانبول با استفاده از گاز اشک آور و آب با فشار قوی که منجر به کشته و زخمی شدن ده ها نفر و دستگیری نزدیک به هزار نفر شد، مقامات ترکیه با مشاهده تراکم و رادیکالیزه شدن هر چه بیشتر اعتراضات توده ای سرانجام دستور خروج پولیس از میدان تقسیم را داده و مجبور شدند به تظاهر کنندگان اجازه ورود به این میدان و تجمع بدهند. آن ها همچنین مجبور شدند برای فریب مردم و فرو نشاندن خشم آن ها با ریاکاری تمام از "بعضی" زیاده روی های پولیس در به خاک و خون کشیدن معترضان اظهار نارضایتی کنند و در حالی که خود آمر این جنایات بودند، قیافه مخالفت با آن را بگیرند. اردوغان نیز با رسوائی تمام کوشید حرکت وسیع مردمی این کشور را که نظام استثمارگر حاکم و دولت سرکوبگر او را هدف گرفته است، کم اهمیت و "حرکت گروه های حاشیه ئی" بخواند. به رغم این سرکوب وحشیانه و عوام فریبی های مقامات ترکیه، اما واقعیت این است که حرکت دلاورانه مردم زحمتکش ترکیه زنگ خطر بزرگی برای رژیم وابسته به امپریالیسم ترکیه به صدا درآورده تا جائی که برخی ها از "بهار ترکیه" نام می برند. در نتیجه این واقعیت، تأمل کوتاهی در باب زمینه های مادی جنبش توده ئی اخیر در ترکیه و به ویژه تلاشی که در سطح بین المللی در میان بلندگوهای تبلیغاتی بورژوازی در مورد قلب ماهیت این جنبش مهم جریان یافته ضروری است.

دستگاه های تبلیغاتی امپریالیسم و ارتجاع در حمایتی بی دریغ از دولت اردوغان و حکومت ترکیه به مثابه یکی از چماق های سرکوب شان علیه مردم ترکیه و خلق های تحت ستم منطقه، در روزهای اخیر کوشیده اند تا ریشه حرکت بی سابقه اخیر را در حد یک خواست "محیط زیستی" گروهی از روشنفکران و هنرمندان ترک در چارچوب نظام، محدود سازند که با "برخی زیاده روی های پولیس" به اعتراض بیشتر مردم منجر شده است. در حالی که این گونه تحلیل ها که از سوی نیروهای راست و سازشکار هم تکرار و در سطح عمومی پخش می شود، هیچ قرابتی با حقیقت ندارند. نگاهی به شرایط مادی و عمومی حیات و معاش مردم در سال های اخیر در جامعه تحت سلطه ترکیه نشان می دهد که شدت یابی فقر و بیکاری و گرسنگی و سپس اعمال سرکوب های وحشیانه در حق توده ها و به عبارتی دیگر تشدید تضاد بین توده های تحت ستم و رژیم حاکم بر ترکیه، به طور ناگزیر به نیرو و کیفیتی تبدیل شده که عاملی چون تخریب یک پارک برای تغییر آن به یک مرکز تجاری در استانبول شعله خشم مردم را در سراسر کشور سرریز و آن را در قالب یک جنبش توده ئی سراسری متجلی کرده است. ما نظیر همین فرآیند را در سال ۸۸ و در جریان قیام مردم به جان آمده ایران علیه نظام دیکتاتوری حاکم نیز به عینه مشاهده کردیم و دیدیم که چگونه بهانه تقلب آشکار رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی در جریان نمایشات انتخاباتی به چنان جنبش عظیم ضد نظام ارتجاعی حاکم تبدیل شد که زمین را در زیر پای آن ها لرزاند و مرتجعین، تنها با اعمال یکی از جنایتکارانه ترین امواج سرکوب و خفقان و شکنجه و ترور قادر به فرونشاندن موقتی آن شدند.

واقعیت این است که در ورای تبلیغات عوام فریبانه ای که راجع به "رشد چشمگیر اقتصادی" و "رفاه" و "خوشبختی" جامعه ترکیه در ده سال اخیر در بلندگوهای بورژوازی جریان یافته، فقر و فلاکت و بیکاری ناشی از حاکمیت نظام سرمایه داری حاکم بر ترکیه و به موازات آن تشدید سرکوب هر چه بیشتر توده ها، گریبان میلیون ها تن از مردم ستمدیده این کشور را گرفته است. رشد اقتصادی که در این تبلیغات به آن استناد می شود همانا توسعه نفوذ هر چه فزاینده تر سرمایه های مالی و قدرت های غارتگر امپریالیستی در ترکیه است که این کشور را به بازار هر چه پرسودتری برای استثمارگران جهانی و ایادی شان در ترکیه بدل ساخته و در عوض حیات و هستی اکثریت محرومان ترکیه هر چه بیشتر مورد تعدی و غارت این نیروها قرار گرفته است. نتیجه چنین "رشد اقتصادی"ی آن است که تازه بر اساس آمار رسمی که بیانگر تمام حقیقت نیست ۳۰ درصد از آحاد جامعه تحت سلطه ترکیه به برکت رشد نظام سرمایه داری حاکم بر این کشور هم اکنون در زیر خط فقر به سر می برند؛ و باز بر اساس آمار رسمی نرخ تورم حداقل ۱۰ درصد است. اما واقعیت بسیار اسفناک تر از این آمار هاست. مثلاً کارشناسان بورژوازی یک درآمد حدود ۳۰۰۰ لیر ترکیه (حدود ۱۳۰۰ یورو) در ماه را شاخص خط فقر برای یک خانواده ۴ نفره معرفی می کنند در حالی که در آمد میلیون ها تن از مردم ترکیه و به ویژه طبقه کارگر پائین تر از این حد می باشد. جدا از کنکاش در آمار و ارقام، یک نگاه گذرا به وضع زندگی مردم در شهر هائی نظیر استانبول جائی که رشد روز افزون تعداد گداها، شغل های کاذب، دستفروشی های بسیار کوچک - که خود پوششی برای پنهان ساختن تکدی گری صاحبان آن هاست - نشان دهنده معنای "رشد اقتصادی" نمونه وار ترکیه می باشد.

سلطه اوضاع سخت اقتصادی، که تسمه از گرده زحمتکشان کشیده است در زمینه سیاسی، با چماق یک سرکوب دائم و فزاینده علیه توده های معترض، نیروهای انقلابی، اتحادیه های کارگری، تشکل های دانشجویی و دمکراتیک، از سوی طبقه حاکم پاسداری شده است. رشد تعداد زندانیان سیاسی و به ویژه زندانیان سیاسی چپ و انقلابی و نیروهای مدافع طبقه کارگر در سپاهچال های ترکیه و سرکوب وحشیانه خلق کرد در این کشور نیز یکی دیگر از ضروریات و به اصطلاح دستاوردهای روندی است که با حمایت امپریالیست ها و سرمایه داران زالو صفت وابسته زیر نام "رشد اقتصادی" ترکیه با پیشبرد برنامه های بانک جهانی و صندوق بین المللی پول در این کشور جریان یافته است. در چنین

چارچوبی تشدید اجتناب ناپذیر تضادهای طبقاتی و اوج یابی خشم و نفرت توده‌نی از این اوضاع، دلیل اصلی انفجار جنبش توده‌نی اخیر در ترکیه است که اعتراض به تخریب پارک "قیزی" استانبول به عنوان یک مطالبه عادلانه کلید آن را در هفته اخیر زد. صدها هزار تن از توده‌های تحت ستم و آگاهی که هم اکنون خیابان‌های شهرهای بزرگ ترکیه را به صحنه مارش پرشکوه مبارزاتی خود علیه نظم ضد خلقی حاکم تبدیل ساخته اند، در اعتراض به فقر و فلاکت و استثمار خویش توسط طبقه حاکم، در اعتراض به سرکوب و خفقان اعمال شده توسط دولت ترکیه، در اعتراض به کارگزاری این رژیم برای امپریالیست‌ها در ترکیه و در سطح منطقه و همچنین در اعتراض به اقدامات ارتجاعی نخست‌وزیر اسلام‌گرا جهت دخالت در امور خصوصی زندگی مردم و به خصوص زنان و در یک کلام برای نابودی آن و برقراری دموکراسی و آزادی است که به خیابان‌ها آمده اند.

حرکت دلاورانه مردم ترکیه شکست و رسوائی دیگری برای جبهه امپریالیست‌ها و بوق‌های تبلیغاتی آنان است که در سال‌های اخیر سعی کرده اند تا ضمن تشدید استثمار و سرکوب و خفقان توده‌های محروم و نیروهای انقلابی ترکیه، با حمایت هر چه بیشتر از رژیم دیکتاتوری حاکم بر این کشور و در همان حال سپردن نقش ضد خلقی هر چه بیشتر در مسایل منطقه‌نی به حکومت ترکیه، عوام فریبانه آن را یک "الگوی رشد" و "دموکراسی" (یک حکومت کارگزار خوب برای سرمایه‌های جهانی) در نزد سایر حکومت‌های وابسته و ارتجاعی منطقه جا بزنند. توده‌های به پا خاسته ترکیه با مبارزه خشمگینانه خود علیه رژیم حاکم بر ترکیه، پته عوام فریبانه پوشانده شده بر این تبلیغات و سازماندهندگان امپریالیست آن را روی آب ریختند.

بدون شک اعتراضات توده‌نی گسترده ترکیه برای تمامی کارگران و خلق‌های تحت ستم منطقه و تمامی نیروهای پیشرو و آزادیخواه دنیا یک نسیم جانبخش مبارزاتی در جبهه دیگری از پیکار آن‌ها علیه امپریالیسم و ارتجاع می باشد و به همین خاطر حمایت همه جانبه نیروهای آزادیخواه را با خود دارد.

هر چه مستحکمتر باد پیوند مبارزاتی خلق‌های ترکیه و ایران!

چریکهای فدائی خلق ایران

۱۲ خرداد[جوزا] ۱۳۹۲ - ۲ جون ۲۰۱۳